



فاطمه احمدی آذر

نویسنده و منتقد

رمان لی لی و باغ‌های جهنم توسط پیام ناصر ازاده‌ی (۱۳۴۸)، نویسنده ایرانی، نوشته شده است. نشر چشمه در پاییز ۱۳۹۳ این کتاب را به مخاطب ایرانی ارائه کرد. داستان رمان از جایی شروع می‌شود که جسد مردی در رودخانه درکه و نسخه‌ای از کتاب باغ‌های جهنم پیدا می‌شود. کارآگاهی که مسئول حل این پرونده است به اسم دختری به نام لی لی آشوری می‌رسد که نامش در صفحه پایانی رمان با مداد نوشته شده است. تلاش برای پیدا کردن نویسنده کتاب، کار را برای کارآگاه سخت می‌کند. داستان هرچقدر جلوتر می‌رود، پیچیده‌تر می‌شود و شخصیت‌های گوناگونی در کلافی پیچیده مقابل کارآگاه و خواننده کتاب قرار می‌گیرند و حالا باید ربط این شخصیت‌ها به یکدیگر را یافت. رمان لی لی و باغ‌های جهنم، با بررسی ریشه‌های روان‌شناختی تجربه‌های شخصیت‌های خود، به نوعی رمان آلیس در سرزمین عجایب (۱۸۶۵) از لوئیس کارول (۱۸۲۲-۱۸۹۸)، ریاضیدان و نویسنده‌ی انگلیسی، را برای مخاطب بازسازی می‌کند. شخصیت لی لی نیز همانند آلیس در طول داستان به دنبال جواب یک پرسش مهم است: من کیستم؟ این سوال فلسفی راه‌رسانی باره‌ادر طول زندگی‌اش از خود پرسیده است. ناصر پیروسی رشد لی لی از تولد را دنبال می‌کند. او جهانی را تجربه می‌کند که هیچ ثباتی ندارد. نویسنده به زیبایی دو عنصر واقع‌گرایی و جادو را به یکدیگر پیوند می‌دهد؛ خواب‌های ماریا و لی لی، گریه‌ای که مرگ را پیشبینی می‌کند، نویسنده‌ای که با گریه‌ها حرف می‌زند و سرز سرسیده است. ناصر پروسه‌ی رشد داستان هستند. شخصیت آلیس ولی لی، دختر بچه‌هایی هستند که ویژگی‌های واقعی کودکان را دارند. آلیس در پایان به سختی و رشد فکری دست نمی‌یابد. لی لی در سرزمین سفید به معنای زندگی پی می‌برد، اما آن راقاموش می‌کند. در هر دو داستان نیز نوعی پیچیدگی و بی‌نظمی وجود دارد. هرچند که ناصر تلاش کرده تا نظم بیشتری به روایت زندگی لی لی به مخاطب خود بدهد. به نظر می‌رسد در هر دو داستان، با نوعی روایت دایره‌وار مواجه هستیم: آلیس ولی لی هر دو به نقطه‌ی شروع خود بازمی‌گردند. این یکی از ویژگی‌های داستان‌های کارناوالی است. داستان لی لی و باغ‌های جهنم ترکیبی از تجربه‌های روزمره و خواب و رویا است. تجربه‌های انسانی در عالم خواب به شکلی عجیب برای شخصیت و خواننده به نمایش درمی‌آید. لی لی در خواب‌هایش بارها خود را در انبار مدرسه و جوی عمارتی با ستون‌های بلند می‌بیند. جهانگردی، پدر لی لی به نیوغ و هوش دختر خود افتخار می‌کند. اما لی لی با در زندگی خود با مسائلی روبه‌رو می‌شود که با منطق‌اش جور در نمی‌آیند. گریه‌اش ابوالخیر می‌تواند مرگ افراد را پیشبینی کند. در واقع، ناصر در این رمان از دل حوادث به ظاهر روزمره و عادی، معانی عمیق فلسفی و روان‌شناختی بیرون می‌کشد. در عین حال، مسائل پیچیده نیز جواب‌ها و علت‌هایی ساده دارند. این معانی نیز نوعی منطق بین داستان زندگی شخصیت‌های مختلف و رویدادهای داستان ایجاد می‌کنند. رفتارها و برخورد‌های لی لی با رویدادهای زندگی و پرسش‌هایش، بیانگر رابطه‌ی کودکان و بزرگسال‌ها و جهان بینی‌های متفاوت آن‌ها است. «از نظر او، نیروی زندگی نه در کمال عقل و جسم که در رجعت به بی‌پناهی دوران کودکی بود؛ بازگشت به دوران بی‌قدرتی. زنان می‌توانند در چشم‌برهم‌زدنی به دخترک‌چولوهای پدران‌شان بدل شوند، وابسته، سرگردان نیازمند، اما مفضل نه! و خب، ابزارشان شیرین‌زبانی و دلبری‌های بیگانه است. دام پهن نمی‌کنند، خودشان دام می‌شوند» (ناصر ۲۱).

لی لی تنها شخصیت داستان نیست که در جست‌وجوی خویشتن است. همه شخصیت‌های داستان به نحوی درگیر کودک درون خود و رسیدن به خودشناسی هستند. نویسنده در حرکتی خلاقانه، حتی به کتاب باغ‌های جهنم نیز شخصیتی انسان‌گونه می‌بخشد: «احساسش هم به باغ‌های جهنم همین بود؛ کتابی رها شده در جعبه‌ای چوبی، بدون نسخه‌ی دوم، بدون ناشر، بدون نقد یا گزارش. گلیبان برای باغ‌های جهنم دل می‌سوزاند و انگار به هر دری می‌زد تا کودکی رها شده را به آغوش خانواده بازگرداند» (ناصر ۷۴).

کارآگاه دریکوندی، مسئول حل پرونده قتل در جایی به «ریسمان‌های نامرئی» (ناصر ۶۸) بین انسان‌ها و رویدادهای اشاره می‌کند که به‌گونه‌ای به پیام نویسنده در کل و پایان داستان مرتبط است. جالب‌ترین نکته این است که جهان عجایب برای لی لی، دنیای واقعی است. سرزمین سفید، جهانی ملموس و منطقی است؛ او در این جهان به راز زندگی پی می‌برد و همه چیز برایش معنایی می‌یابد. در جایی نیز گلیبان می‌گوید که لی لی در آرزوی برگشت به آن جهان سفیداست. او در این جهان تخم‌مرغی، می‌تواند ارتباط بین همه پدیده‌ها، تجربه‌ها و انسان‌ها را ببیند. لی لی فقط در خواب و کما به سرزمین سفید می‌رود. از طرفی، او سرزمین عجایب را در زندگی تجربه می‌کند. البته مصداق سرزمین عجایب برای شخصیت‌ها، متفاوت است. برای مثال، گلیبان سرزمین عجایب را در کتاب فروشی مارلیک می‌یابد. می‌توان به این نتیجه رسید که ناصر در رمان لی لی و باغ‌های جهنم، به بازآفرینی آلیس در سرزمین عجایب می‌پردازد. او نیز همانند کارول، شخصیت‌هایی را به تصویر می‌کشد که در بی خودشناسی هستند. نبردی بین خیر و شر وجود ندارد. لی لی و باغ‌های جهنم، درباره‌ی دغدغه‌ی همه‌ی انسان‌ها در همه‌ی اعصار است؛ من کیستم؟ «وقتی مانعی نباشد، به دین تباری نیست. رها شده بود در لایتناهی. ترس از برخورد معنایی نداشت، جهان معنایی نداشت، رنگ معنایی نداشت؛ سفیدی مطلق همان سیاهی مطلق بود» (ناصر ۱۴).

در گفت‌وگو با مترجم بررسی شد؛

«در بزم آتش»؛

چالش‌های یک زن آتش‌نشان



آرمان ملی - ییتاناسا فریزو: فیروزه مهرزاد که پیش‌تر رمان‌های «زبان گل‌ها» و «هرگز بال پرواز نخواستیم» اثر نوسا دین باخ را برای نشر آمویت ترجمه کرده بود. این بار رمان ۳۹۲ صفحه‌ای «در بزم آتش» را برای این نشر ترجمه و روانه بازار کرده است. این کتاب، داستان زن آتش‌نشانی را روایت می‌کند که از یکسو با چالش‌های زندگی شخصی خود دست به‌گریبان است و از سوی دیگر، در محیط سخت و مردانه مأموریت‌های شغلی با موقعیت‌های هیجان‌برانگیزی روبه‌رو می‌شود. احساس ترس، پایبندی به عشق، بخشش و انسانیت از جمله مفاهیمی است که کاترین سنتر در این اثر با مخاطبان خود به اشتراک گذاشته و مهرزاد را به ترجمه آن ترغیب کرده است؛ آنچه‌اگرچه در وصف آن می‌گوید: «... چیزی که انگار شبیه یک هدیه پیش رویت قرار می‌گیرد.» به مناسبت انتشار، در بزم آتش، گپ و گفتی را با این مترجم ترتیب دادیم که در ادامه می‌خوانید.

کاترین سنتر (نویسنده آمریکایی) در رمان «در بزم آتش» که به تاگی با ترجمه شما و از سوی نشر آمویت به چاپ رسیده است، از زنان و داستان تلاش و پشتکارشان در رویارویی با مسائل می‌گوید. ابتدا درباره این کتاب و شخصیت‌های آن توضیح دهید.

این کتاب، داستانی با محوریت عشق، شجاعت، بخشش، کمک به دیگران و البته زندگی در زمان حال است. شبی که «کسی» آماده تفریح و دریافت جایزه قهرمانی‌اش به عنوان تنها زن آتش‌نشان می‌شود، در مراسم اتفاقی می‌افتد که زندگی او را برای همیشه تغییر می‌دهد. همان شب او تماسی از مادرش دریافت می‌کند که از او تقاضای کمک دارد. آن هم مادری که در شب تولد شانزده سالگی‌اش او را رها کرده بود و ارتباط خوبی با او ندارد. در شهر جدید، در ایستگاه آتش‌نشانی جدید که از حضورش به عنوان یک زن رضایت ندارند، به عنوان تنها زن آتش‌نشان مشغول به کار می‌شود. اما اینجا باید با ترس‌هایش و البته با خط‌قرمز، یعنی عشق روبه‌رو شود.

نویسنده در این اثر با پرداختن به فضای مردانه ایستگاه آتش‌نشانی، به توصیف شخصیت اول داستان و چالش‌هایش می‌پردازد. از این منظر؛ به نظر شما «در بزم آتش»، تا چه میزان در به تصویر کشیدن زنان امروز موفق بوده است؟

داستان درباره زیستن یک زن در دنیایی مردانه است. در میان نگرش‌های متعصبانه، کمبود تجهیزات ایمنی و یادآمد کم‌و‌ب‌به‌کارش به عنوان تنها زن آتش‌نشان ادامه می‌دهد. دنیای آن‌ها با هم فرق دارد، اما همه آن‌ها با هم یک نوع دوستی ذاتی دارند که من آن را کاملاً جذاب یافته‌ام. او یک آتش‌نشان است، اگرچه شغل سختش باعث نمی‌شود احساسات زنانه‌اش را کنار بگذارد، بلکه با همان ذکاوت و حس زنانه در مأموریت‌هایش به پیش می‌رود. نویسنده، زنی خود ساخته و قوی را به تصویر می‌کشد که در مقابل کلیشه‌های ایستد، اثبات می‌کند و باورهای قدیمی نمی‌تواند مانعی در کارش باشد. او در تلاش است در محیطی نه چندان زنانه با سختی‌های خاص، بهترین خودش را ارائه دهد و در مسیر تکامل‌اش با مفاهیم عمیقی مثل عشق، بخشش و انسانیت روبه‌رو شود.

بخش قابل توجهی از داستان در محیطی پرتنش و اضطراب‌آوری که آتش‌نشان‌ها با آن سروکار دارند، می‌گذرد. نویسنده چطور با این



هستم که چگونه بعد از این‌که زندگی ما را از پا در می‌آورد، دوباره بتوانیم سرپا شویم. این چیزی ست که من همیشه در مورد نوع بشر دوست دارم؛ ما خودمان را دوباره جمع و جور می‌کنیم و ادامه می‌دهیم. در واقع این لحظات سخت زندگی‌اند که به ما فرصت‌های نادری برای رشد، تغییر و دوباره نویسی زندگی‌مان می‌دهند. نه تنها چگونگی روبه‌رو شدن با چالش‌ها، بلکه درک چگونه زیبایی و شادی زندگی. در انتخاب کتاب‌هایم همیشه با افرادی روبه‌رو هستیم که به‌رغم هر چالش ناگهانی‌ای سخت تلاش دارند به بهترین نسخه از خودشان دست یابند. تجربیات سخت، حرکت به جای بهتر، عاقل‌تر، مهربان‌تر و به نوعی تقابل‌های رسیدن به مرحله بهتر. فکر می‌کنم این نوع داستان‌ها به‌طور منحصربه‌فردی می‌توانند درس‌های عاقلانه‌ای به ما بدهند. خواندن زندگی آدم‌ها واقعا الهام‌بخش است. دانستن این‌که چطور این افراد بعد از همه اشتباهات و گرفتاری‌هایی که داشته‌اند می‌توانند یکدیگر را ببخشند، خارق‌العاده است.

خبر تازه‌ای هم برای مخاطبان دارید؟

کتاب «نگهبان عطرها» اثر اریکا باروما یستر از نشر آذریاد در دست چاپ است. داستانی پرشور و گیرا که زیبایی شورا نگیز را به بررسی می‌کند؛ طوری که رایحه‌ها می‌توانند حقایق پنهان را آشکار کنند. ما را به آن شخصیتی که در جست‌وجوی هدایت و حتی کمک‌کنند مسیر بازگشت‌مان را به زندگی پیدا کنیم. کتاب باید گل‌ها را دوست داشت اثر دبی مکومیرا با همکاری نشر تداعی واقع‌باست در دست چاپ است. در این رمان دو زن در سنین متفاوتی از زندگی پس از تحمل سختی‌ها خودشان را در آغاز دوباره سفر زندگی‌شان می‌یابند. این داستان تصویری دقیق از اینکه چطور خانواده، دوستی و عشق می‌تواند ما را به اوج برساند ارائه می‌دهد. یادآور آن است که حتی در تاریک‌ترین لحظات زندگی و ارتباطات می‌توانند تاثیر زیادی بر زندگی و رفتار آدم‌ها بگذارد، مانند گل‌ها شکوفا شوند و به زندگی روشنایی ببخشند.

از معیارهای تان در انتخاب آثار برای ترجمه بگوئید.

چالش‌ها می‌تواند ما را به نقاط قوت مان برساند، به همین دلیل است که عاشق داستان‌هایی با محوریت این موضوع

فناشنایی یافته است؟

بله؛ دیدن درون و بیرون زندگی حرفه‌ای «کسی» به عنوان یک آتش‌نشان و نیز یک امدادگر و رفاقت با هم تیمی‌هایش، تجربه خواندن منحصربه‌فردی ساخته است. شخصیت زن داستان، به خوبی نشان می‌دهد چطور در دنیایی که برای موفقیت زنان آفریده نشده می‌توان موفق شد. جزئیات زنده بسیاری در مورد زندگی به عنوان یک آتش‌نشان وجود دارد که نویسنده آن‌ها را در تجربیات همسرش که یک داوطلب آتش‌نشان است الهام گرفته است.

عشق، نفرت و خشم از مفاهیم اصلی «در بزم آتش» به شمار می‌آیند و همچنین بخشش، بخش مهمی از داستان را به خود اختصاص داده است. انتقال این مفاهیم در جذب مخاطب چه تاثیری دارند؟

چگونگی تکامل بویایی مردان، زمانی که زنی را در میان خودشان یافتند، خواندن این کتاب را بسیار جذاب کرده است. صمیمیت و گسترش رابطه دوستانه او با همکارانش باورپذیر بوده است. لحظه‌هایی که با آن‌ها به مأموریت اعزام می‌شود، در میان آتش‌گرفتار می‌شوند، مسابقه می‌دهند، آموزش آشنی، شوخی و سر به سر هم گذاشتن شان مطرح است. آتش‌نشان‌ها درست به همان اندازه کارشان هنگام مسابقه و شوخی با هم جدی هستند. او در این بین توانست رابطه با مادرش و همکارانش را تقویت

نویسنده، زنی خود ساخته و قوی را به تصویر می‌کشد که در مقابل

کلیشه‌ها می‌ایستد، اثبات می‌کند و باورهای قدیمی نمی‌تواند مانعی در

کارش باشد. او در تلاش است در محیطی نه چندان زنانه با سختی‌های

خاص، بهترین خودش را ارائه دهد



یک سفر باشکوه تاریخی

نگاهی به تازه‌ترین اثر الیف شافاک



لیلا عبدللی

مترجم و منتقد

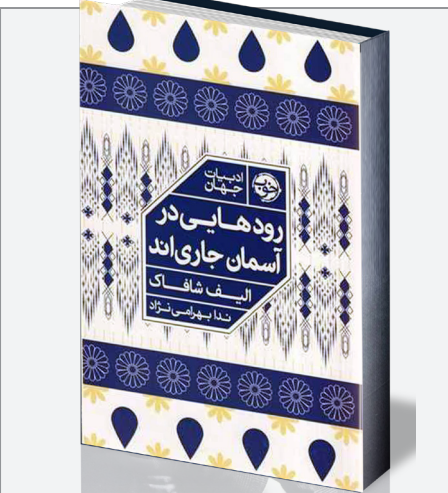
الیف شافاک، نویسنده برجسته ترکیه‌ای، یکی از شناخته‌شده‌ترین و پرطرفدارترین نویسندگان معاصر است. کتاب‌های او در سطح جهانی تحسین شده و آثارش به ده‌ها زبان ترجمه شده‌اند. ایان مک‌یونن نویسنده بریتانیایی برنده بوکر، شافاک را «صدای منحصربه‌فرد و قدرتمندی در ادبیات معاصر جهان» توصیف می‌کند؛ ویت‌تان‌نون، نویسنده ویتنامی برنده پولیتزر، می‌گوید شافاک «با لطافت و شجاعت به جهان‌نگاه می‌کند و کلمات و آثارش که جذاب و برانگیزاننده‌اند، ما را در فضایی روشن و گشوده قرار می‌دهند که از آنجا می‌توانیم این دنیا را از نو ببینیم.» تصویری که آرنوداتی روی نویسنده هندی برنده بوکر نیز آن را به شکلی دیگر بیان می‌کند: «جایگاهی برای الیف شافاک در قفسه کتاب‌های خود با کنید. جایگاهی برای او در قلب‌تان هم باز کنید. پشیمان نخواهید شد.»

تازه‌ترین اثر الیف شافاک رمان «رودهایی در آسمان جاری‌اند»، است، در سال ۲۰۲۴ منتشر شده و ترجمه فارسی آن توسط ندا بهرامی نژاد در نشر خوب به چاپ رسیده است. این رمان نیز مانند دیگر آثار شافاک، در عمق مفاهیم انسان‌شناختی و فلسفی غوطه‌ور است و به زیبایی پیوند‌های تاریخ و سرنوشت شخصیت‌های مختلف را از

گذشته تا امروز ترسیم می‌کند. این اثر که به ویژه در رابطه با رودخانه‌های تاریخی و مفهومی آب نگاشته شده، بر دغدغه‌های زیست‌محیطی، تاریخ‌نگاری و حافظه انسانی تمرکز دارد. شافاک در این کتاب به تحولات دنیای معاصر و چگونگی تاثیرگذاری گذشته بر اکنون، به ویژه در مناطق جنگ‌زده و بحران‌زده مانند ترکیه و عراق، پرداخته و روایتی پیچیده و در عین حال عاطفی از سه شخصیت متفاوت را به تصویر می‌کشد. در «رودهایی در آسمان جاری‌اند»، شافاک با نگاهی به گذشته تاریخی، به ویژه از طریق شخصیت‌های کلیدی همچون آشور باناییال، پادشاه آشوری و سفرهای مختلف در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، خواننده را به تفکر و تأمل در مورد تحولات انسانی و روابط بشر با طبیعت دعوت می‌کند. داستان در زمان‌ها و مکان‌های مختلفی همچون بین‌النهرین، لندن قرن نوزدهم و ترکیه معاصر اتفاق می‌افتد و از درون یک قطره آب که از رودخانه دجله در عراق به رودخانه تیمز در انگلستان می‌افتد، پیوندهای عمیق میان این زمان‌ها و مکان‌ها شکل می‌گیرد. اولین شخصیت اصلی کتاب، آرتور اسمیت است؛ فردی که از پایین‌ترین طبقات اجتماعی لندن در قرن نوزدهم به یک متخصص باستان‌شناسی تبدیل می‌شود و در جست‌وجوی اسرار تمدن آشور به سر می‌برد. او با توانایی خارق‌العاده‌ای که به یادآوری جزئیات زندگی‌اش دارد، به دنبال کشف گنجینه‌های باستانی می‌رود و در این مسیر، به شخصیت‌هایی از گذشته وصل می‌شود که زندگی و تاریخشان همچنان در حافظه بشریت باقی مانده است. شافاک با بازیابی زیبایی خود، به گونه‌ای جذاب و دلنشین روایت

زندگی آرتور را به تصویر می‌کشد. شخصیت دیگر، نارین است؛ دختر جوان یزیدی در سال ۲۰۱۴ که به همراه مادر بزرگش در شهری باستانی در ترکیه زندگی می‌کند و در آستانه از دست دادن شنوایی‌اش است. او در حین نگرانی از تهدیداتی که در آینده در انتظار اوست، سفر روحانی و معنوی‌ای را آغاز می‌کند که به واسطه‌ی آن با تاریخ و فرهنگ ملت خود پیوند برقرار می‌کند. این بخش از داستان با تمرکز بر تاریخ یزیدیان و وضعیت اجتماعی آنان، ابعاد انسانی و بحران‌هایی که مردم این منطقه در آن گرفتار هستند را به نمایش می‌گذارد. آخرین شخصیت، دکتر زالیکا کلارک است؛ متخصص هیدرولوژی که با بحران‌های شخصی و اجتماعی خود دست و پنجه نرم می‌کند و در عین حال دیگر تحقیقاتی پیچیده در مورد رابطه بشر با آب است. زالیکا در جست‌وجوی پاسخ به پرسش‌هایی بنیادی و فلسفی در خصوص آب و تاریخ آن است که به مفهومی عمیق‌تر از زندگی و مرگ می‌انجامد. یکی از نقاط قوت کتاب «رودهایی در آسمان جاری‌اند»، توجه است به رودخانه‌ها و طبیعت مرتبط با آن است. از جمله مسائلی که در این اثر به شکلی هنرمندانه مطرح می‌شود، می‌توان به بحران‌های محیطی و وضعیت رودخانه‌ها و منابع آبی اشاره کرد. شافاک با استفاده از این عناصر طبیعی به تدریج از قدرتی نمادین و استعاره‌ی در روایت استفاده می‌کند که ذهن خواننده را به تفکر در مورد پایداری زندگی و تاثیرات آن بر آینده بشر می‌کشاند.

شافاک با این کتاب، همچنان بر همان مسیر فلسفی و اخلاقی پیش می‌رود که در آثار قبلی خود نیز دنبال کرده



است. او با استفاده از داستان‌گویی دقیق و پرداخته شده، تلاش دارد تا مسأله‌های انسانی پیچیده مانند هویت، تاریخ و بازمانده‌های جنگ‌ها را به شکلی برجسته‌تر مطرح کند. در این کتاب، سوالاتی در خصوص چه چیزی انسان‌ها را به هم پیوند می‌دهد و چطور خاطرات و تاریخ انسان‌ها درهم تنیده شده‌اند، با استفاده از نثر شاعرانه و زبان زیبایی شافاک به خوبی طرح می‌شود. به طور کلی، «رودهایی در آسمان جاری‌اند» اثری است که نه تنها از لحاظ داستان‌پردازی و شخصیت‌پردازی قوی است، بلکه از نظر مفهومی نیز خواننده را به تفکر در خصوص آب، تاریخ و ارتباطات انسانی می‌برد. این کتاب ادامه‌ای بر مسیر موفقیت‌آمیز شافاک در آثار پیشین است و به خوبی نشان می‌دهد که او یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین نویسندگان معاصر است که به تحولات فرهنگی و اجتماعی جهان پرداخته است.